



درگیری آرتیست قلدر در بیمارستان لقمان

۱ چرا در بیمارستان درگیر شدید؟

اصلا با آنجا کاری نداشتیم. درواقع محل قرارمان نزدیک بیمارستان بود. وقتی من و گروهم به محل قرار رفتیم، گروه رقیب از ترس وارد بیمارستان شدند و ما هم به دنبالشان رفتیم. این بود که درگیری به داخل بیمارستان کشیده شد.

۲ دعوی تان سر چه بود؟

فقط قدرت‌نمایی؛ راستش ما همه در یک محله در جنوب تهران زندگی می‌کنیم. مدتی است که من و گروهم در محله قدرت زیادی داریم. برای همین گروه رقیب حسادت کردند و می‌خواستند روی دست ما بلند شوند. آنها می‌خواستند بین مردم محله جا بیندازند که از ما قوی‌تر هستند. مرتب کل‌کل می‌کردند. در فضای مجازی قدرت‌نمایی می‌کردند. ما هم خواستیم درس عبرتی به آنها بدهیم تا متوجه شوند قدرت دست چه کسی است.

۳ یعنی در ابتدا در فضای مجازی با هم کل‌کل می‌کردید؟

بله. اول هم آنها شروع کردند. وقتی دیدند قدرت ما زیاد است، اول در فضای مجازی استوری می‌گذاشتند و سعی داشتند ما را تحقیر کرده و قدرت‌نمایی کنند. البته بچه‌های گروه ما نیز مرتب جوابشان را می‌دادند. تا این‌که آن‌روز با آنها قرار گذاشتیم تا نشان دهیم چه کسی قدرت بیشتری دارد.

۴ در بیمارستان به کسی هم آسیب زدید؟

به جز چند نفر از خودمان و گروه رقیب که زخمی شدند، به‌فرد دیگری آسیب نزدیم.

۵ ماجرای تخریب خودروی ۲۰۷ چه بود؟

آن خودرو اشتباهی تخریب شد. درواقع مال یک فرد عادی بود اما ما تصور کردیم برای بچه‌های گروه رقیب است. به‌همین دلیل شیشه‌هایش را خرد کردیم، ولی اشتباه کرده بودیم.

۶ چرا این قدر روی بدنت آثار زخم و خالکوبی است؟

این زخم‌ها برای درگیری‌های مختلف است. من سابقه قاقاق کالا و درگیری دارم و چندین بار دعوا کرده‌ام. خالکوبی هم به‌خاطر علاقه‌ام است. من در تایلند یک مدت دوره تئو دیدم و در این‌کار حرفه‌ای هستم. بچه‌ها به من می‌گویند آرتیست قلدر. برای همین روی بدنم خالکوبی زیاد است.

تهران به‌پا کرد. درگیری با قمه و چاقو، وحشت را در میان جمعیت بیمارستان ایجاد کرد. این دو گروه از ارادل و اوباش، فقط به خاطر کل‌کل و کری‌خوانی، با قمه و چاقو به جان یکدیگر افتادند. سهر که روی بدنش انواع خالکوبی‌ها را دارد، در گفت‌وگو با خبرنگار ما، جزئیات این درگیری را روایت کرد.

به ادعای خودش همه به او می‌گویند آرتیست قلدر! می‌خواهد همه‌جا قدرتمند باشد و محله روی دست او بچرخد. دوست دارد همه از او حساب ببرند. برای همین وقتی دید گروهی در محله سعی در قدرت‌نمایی دارند، گروه خودش را جمع کرد و غوغایی در یکی از بیمارستان‌های

وحید اخباری
گروه تیش

مقصر دزد شدن ما، پولدارها هستند!

۱ چقدر گریه می‌آمد از هر سرقت؟

من دو همدست دیگر هم داشتم و همه چیز تقسیم می‌شد. گاهی از یک سرقت ۱۰۰ میلیون و گاهی ۴۰ میلیون تومان، ولی چون بالاشر سرقت می‌کردیم درآمد خوبی داشتیم.

۲ پول سرقت را چه می‌کردید؟

من شیشه می‌کشم و یک سوم پولم را خرج مواد می‌کنم. بقیه هم صرف رفیق‌بازی و مخارج روزمره می‌شود. پول دزدی برکت ندارد. هرچقدر هم زیاد باشد فقط به درد گذران زندگی می‌خورد و اصلا نمی‌شود پس انداز کرد.

۳ چه شد که

دستگیر شدید؟

مالخر را گرفتند و او لو داد و پلیس سراغ ما آمد.



چون صاحبان این خانه‌ها پولدار هستند و پول و طلا را داخل خانه می‌گذارند. کسی که صدهزار دلار یا چندین سکه در خانه نگه می‌دارد، خودش مقصر است که ما سراغش می‌رویم.

۴ هرکس پولدار بود، شما باید از او سرقت کنید؟ او برای پولش زحمت نکشیده؟

خب پول و طلا را در بانک نگه دارد نه این‌که در خانه بگذارد تا ما سر و قتش برویم. حالا شما بگویید که مقصر منم یا آنها که پولشان را در معرض سرقت قرار می‌دهند.

۵ در سرقت‌ها از کجا می‌فهمی پول

و طلا کجاست؟

باور کنید سرقت‌های ما شانسی است. ما ممکن است در یک سرقت چندصد میلیون گیرمان بیاید و گاهی ممکن است چیزی هم پیدا نکنیم. همه چیز در سرقت شانسی است.

شش بار به اتهام سرقت دستگیر شده و مدتی در زندان بوده و بعد از آزادی، روز از نو، روزی از نو. دوباره سراغ سرقت رفته بعد از مدتی باز زندان خواب شده است. در صحبت‌هایش سعی می‌کند خود را تبرئه کند و پولداران را مقصر جرایمش می‌داند.

۶ خودت را معرفی کن

ابراهیم، معروف به ابی دست‌کج هستم.

۷ این لقب را چه کسی به تو داده است؟

دوستانم این لقب را به من دادند. من از وقتی یادم می‌آید دزد منزل بودم.

۸ پس سابقه داری؟

۶ بار دستگیر شدم که در سه پرونده محکوم شدم.

۹ چرا سه بار تیرئه شدی؟

دزد، گاو پیشونی سفید است. سه بار بعد از دستگیری مشخص شد سرقت کار من نبوده و آزاد شدم.

۱۰ بیشتر کجا سرقت می‌کردی؟

فقط شمال شهر و خانه‌های ویلایی را سرقت می‌کردیم.

۱۱ چرا فقط از این خانه‌ها؟